

مصداق بزرگ‌کاتب مرضی از دیدگاه قرآنی

دکتر سوسن آل رسول¹

فخرالسادات حسینی متولی²

• چکیده:

رضای الهی به عنوان صفت فعل خدا و مقامی از مقامات معنوی بندگان مسئله مورد نظر در این مقاله می باشد که با تکیه بر آیات وحیانی قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله واژگان راضی، مرضی، رضایت و رضوان از حیث لغوی و اصطلاحی مورد توجه قرار گرفته و آنگاه مهمترین لوازم کسب رضایت خدا شامل (ایمان، تقوا و عمل صالح) مطرح و بررسی شده است. در ادامه این موضوع زمینه های رسیدن به مقام رضایت الهی شامل (محبت به خدا، صبر و یقین) ارائه شده و سپس به معرفی بندگان مرضی در قرآن از جمله حضرات اسماعیل (ع) حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت امام حسین (ع) پرداخته شده است. در این مقاله به نوعی راهکارهای تحصیل و کسب مقام رضایت الهی و وصول به این مقام معنوی مطرح و سلسله انبیاء و اولیاء الهی (ع) به عنوان الگوهای عالی و سابقین میدان رضا و رضایت مندی معرفی شده اند. قرآن کریم صاحبان نفس مطمئنه را اینچنین معرفی نموده است: (یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلنی جنتی) (فجر ۲۷-۳۰)

• واژگان کلیدی: رضایت، مرضی، راضی و رضوان

مقدمه:

حمد و سپاس خدایی را سزااست که هستی از آن اوست. خداوند بلند مرتبه‌ای که کائنات را برای انسان و انسان را برای عبادت خویش آفرید که خود فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات/۵۶) و عبودیت حق تعالی حاصل نمی‌شود مگر با معرفت نفس خویش که مقدمه‌ی عرفان پروردگار است. همان‌گونه که در کلام نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است که فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (مجلسی، ۳۲/۲) به بیان دیگر می‌توان گفت که معرفت به جمال و جلال الهی، در وجود انسان عشق و محبتی نسبت به خداوند متعال پدید می‌آورد که او را عبد مطیع حق می‌سازد. هرگاه سه عنصر معرفت، محبت و اطاعت در بنده‌ای جمع گردد، رضایت حق ثمره و نتیجه آن خواهد بود. رضایت خداوند از بندگان نسبت به سایر اوصاف الهی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است که در قرآن کریم بارها به آن اشاره شده است. صفت رضا نیز

همچون سایر صفات خدا در بندگان نیز ظهور و بروز دارد که تجلی کامل آن را در وجود انسان کامل یا همان انبیاء و اولیاء الهی می‌توان یافت. این بزرگواران هم مرضی حق تعالی هستند و هم راضی از او که قرآن کریم به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به برخی از آن‌ها اشاراتی نموده است. پیش از بحث از این مقوله لازم است مطالبی درباره صفت «رضایت» الهی مطرح گردد. مفهوم شناسی واژه‌های «رضایت» و «مرضی»: دو واژه رضایت و مرضی از رضا گرفته شده که خود از ریشه راء، ضاد و حرف عله است. رضا در برابر سخط به معنای خشم و غضب به کار رفته است. اکثر علمای لغت، این واژه را از ریشه «رضی» یا «رضا» دانسته‌اند. (ابن منظور، ۳۲۴/۱۴-۳۲۳) برخلاف صاحب کتاب العین که آن را از ریشه «رضو» می‌داند. (فراهیدی، ج ۵۷/۷) رضا از هر ریشه‌ای که باشد به معنای «انتخاب کردن چیزی و پذیرفتن» آن است. (ابراهیم مصطفی، ۳۵۱) و صفتی از صفات خداوندی است که شامل حال بندگان نیز شده و به ویژه

در وجود انسان کامل به صورتی اکمل متجلی است. واژگانی چون: رضوان، مرضات، راضیه و مرضیه نیز که در قرآن به کار رفته است از همین ریشه هستند.

همچنین مفاهیمی مانند: اراده، مشیت و محبت با آن متناظرند. مفسران رضا را از صفات فعلیه خداوند می‌دانند نه اوصاف ذاتیه او، چرا که خداوند در ذات خود هرگز دچار تغییرات و دگرگونی نمی‌شود.

(برخلاف انسان‌ها) پس رضا و غضب الهی به گونه‌ای دیگر تجلی دارد و آن عبارت است از معامله رضا و غضب با بندگان. یعنی خداوند در صورت رضایت از بندگان، رحمت و نعمت خود را به آنان عطا می‌فرماید ولی

اگر بر ایشان خشم گیرد، رحمتش را دریغ کرده، عذابشان می‌کند. (طباطبایی، ۵۱۰/۹) به عبارت

دیگر می‌توان گفت که: رضای خدا از بندگانش به صورت توفیقاتی که به آنان می‌دهد، بروز و ظهور پیدا می‌کند. (میبدی، ۵۷۲/۱۰)

واژه «مرضی» تنها یکبار در قرآن کریم آمده، آن هم در وصف حضرت

اسماعیل علیه‌السلام که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت. مترادف این کلمه، لفظ «رضی» است که درباره آن گفته‌اند. «رضی یعنی مرضی و مطیع و محب»

(مصطفوی، ۱۵۱/۴) خداوند می‌فرماید: «وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» (مریم/۶) «رضی به معنی مرضی است یعنی خوشنود شده» (قرشی، ۱۰۳/۳-۱۰۲)

• کسب رضایت خدا: جلب رضایت کامل الهی سهل و آسان نبوده و از دید گاه قرآن تحصیل آن نیازمند طی مراحل و مراتبی است. مهم‌ترین آنها عبارتند از: ایمان، تقوا و عمل صالح.

• الف: ایمان راستین: اعتقادات و باورهای آدمی زمینه‌ساز اندیشه‌ها و رفتار او هستند. لذا ایمان به خدا در درجه اول اهمیت قرار دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ» (فتح/۱۸) و در جای دیگر می‌فرماید: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» (مجادله/۲۲) ابوعلی فارسی در تفسیر آن می‌گوید:



«در قلوبشان علامت و نشانه ایمان نوشته شده و معنایش این است که آن علامت، داغ و نشانه‌ای است برای فرشتگان که وقتی آنها را می‌بینند، می‌فهمند که ایشان مؤمن هستند. همانطور که درباره کفار فرمود: «وَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (توبه/ ۹۳) یعنی خداوند بر قلبهایشان علامتی نوشته که فرشتگان آن را مشاهده می‌کنند. (طبرسی، مجمع‌البیان، ۳۸۳/۹)

این ایمان به خدا، هرگز با محبت و دوستی غیر خدا و کافران یکجا جمع نمی‌شود و اینان کسانی هستند که حتی خانواده‌شان کوچکترین تأثیری بر ایمان آنان به پروردگارشان نمی‌گذارد. این یعنی تثبیت ایمان در قلوب انسانهای مخلص توسط خداوند متعال. (مغنیه، ۲۷۸/۷)

امثال اوامر الهی و اجتناب از منهیات او. یعنی بنده باید در تمامی احوال در برابر خداوند خاضع باشد، چه نعمتش بدهد یا ندهد (و یا نعمتی را که داده از او باز گیرد). (طباطبایی، ۳۶۸/۳-۳۶۷) در قرآن کریم به رعایت تقوا بسیار سفارش شده و نیز به اهمیت آن در مسیر کمال و قرار گرفتن در زمره متقین تأکید زیادی می‌شود.

(بقره/ ۱۹۴؛ آل‌عمران/ ۷۶؛ حجر/ ۴۵)

«متقی اسم فاعل از وقایه است و وقایه یعنی نهایت حفاظت و صیانت از چیزی. با این وصف مراد از متقی کسی که در امور دنیایی رعایت و مواظبت دارد نیست، بلکه متقی به کسی می‌گویند که در امور دینیش تقوا داشته باشد. یعنی عبادات را انجام داده، از گناهان دوری گزیند.» (فخرالدین رازی، ۲۶۷/۲)

آری ترک معاصی در نیل به مرتبه تقوا چندان اهمیت دارد که پیامبر اکرم (ص) درباره آن می‌فرمایند: «هرکس معصیتی را به خاطر خدا و از خوف او ترک کند، خداوند متعال او را در قیامت راضی می‌نماید.» (کلینی، ۸۱/۲)

*ب- تقوای الهی: «تقوا یعنی احتراز از چیزی وقتی گفته می‌شود تقوای از خدای سبحان یعنی احتراز و اجتناب از عذاب الهی. چنین تقوایی آن‌گاه محقق می‌شود که بنده مطابق با خواسته‌ها و رضای حق تعالی رفتار نماید. پس تقوا یعنی



تقوا نه تنها موجبات رضایت بنده را در آخرت فراهم می‌آورد بلکه قطعاً مورد رضایت درگاه الهی نیز هست، زیرا امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «خداوند متعال شما را به رعایت تقوا سفارش می‌کند و آن را مایه رضایتش از مردم قرار داده است.» (تمیمی آمدی، ۲۶۹)

در پیشگاه خداوند متعال، کیفیت مقدم بر کمیت است لذا کاری که تنها برای رضای خدا و به قصد قربت انجام شود، هرچند اندک باشد هرگز از بین نمی‌رود و برعکس اعمال بیشتری که خالی از شرط اخلاص و تقوا باشد، حتی ذره‌ای به حال صاحبش منفعت ندارد. حضرت علی علیه‌السلام در جای دیگری در این باره فرمودند: «از عملی که با تقوا انجام شود، کم نخواهد شد، و چگونه از عملی که مورد پذیرش (خدا) قرار گرفته کاسته می‌شود.» (کلینی، ۲/۷۵)

• ج- عمل صالح: به عملی صالح گفته می‌شود که نزد خداوند متعال دارای اعتبار بوده و از بنده پذیرفته شود. چه بسیار اعمالی که به زعم بنده کاملاً درست و پسندیده است اما از جانب خداوند مورد قبول واقع

نخواهد شد. در حقیقت ملاک پذیرش اعمال بندگان، برخوردار بودن از بینش صحیح و ایمان حقیقی است که پیشتر نیز به اهمیت آن اشاره شد. در جای جای قرآن عزیز آمده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یعنی ایمان و عمل صالح مکمل یکدیگر و به منزله دو بال هستند که برای رسیدن انسان به حیات طیبه لازم و ضروری‌اند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...» (نحل/۹۷) «هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد. در حقیقت باید گفت که ایمان، جنبه اعتقادی و عمل صالح، جنبه عملی دین را تشکیل می‌دهند و هزاران سال تلاش انبیاء و اولیاء الهی در راستای تحقق امتی موحد و یکپارچه بود که نسبت به تعالیم آسمانی پیامبران تعهد و تقید داشته باشند و این چنین بود که ادیان الهی در دوره‌های مختلف توسط رسولان حق



به امت‌ها عرضه گردید و البته در هر امتی جز اندکی افراد با ایمان و صالح، مابقی از دین خدا اعراض کرده به فساد خویش ادامه دادند. تا اینکه نوبت به آخرین، برترین و کامل‌ترین آئین الهی رسید و حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی (ص) مأمور ابلاغ آن به جهانیان گردیدند.

پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) در انجام مأموریت و رسالت خویش از هیچ کوششی فروگذار نکرده و همه نوع آزار و اذیتی را در این راه به جان خویش خریدند تا جائی که فرمودند: «ما أوذی نبی مثل ما أوذیت» (محدث اربلی، ۵۳۷/۲) یعنی هیچ پیامبری همانند من آزار ندید.

بالاخره پس از ۲۳ سال صبر و مجاهدت پیامبر اکرم (ص) و نثار خون برترین یاران حضرت، نهال اسلام به ثمر نشست و در واقعه غدیر خم این آیه بر قلب نورانی رسول اکرم (ص) نازل شد «الْیَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِینَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَیْكُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِیناً» (مائده/۳) و این چنین خداوند در آخرین روزهای زندگی حضرت سید المرسلین، مژده اکمال دین و اتمام نعمتش را بر امت

اسلام بیان داشت و این تنها موضع از کلام‌الله است که حضرت حق فرمود: رَضِیتُ یعنی رضایت دادم و پسندیدم گویی خداوند متعال، اعتقاد به اسلام و التزام به تعالیم اسلامی را نقطه اوج بندگی انسان و نهایت درجه رضایت خویش از بندگان قرار داده است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «آیه به مؤمنین وعده داده که دینشان را از شر دشمنان آزاد خواهد کرد، اما دین مرضی آنان را و قید مرضی بودن در آیه از جمله: «وَ رَضِیتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِیناً» فهمیده می‌شود. پس مراد از اکمال دین مرضی، تمکین دادن آن یعنی نجات دادن آن از مزاحمت مشرکین است... پس تمکین دین مرضی خدا همان اکمال دینی است که نزد خداست و خدای تعالی آن را اراده کرده و مرضی خود دانسته و پس از مرحله‌ی اراده، آن را در قالب تشریح ریخته و با انزال تدریجی، اجزای آن دین را در نزد مردم جمع کرده است.» (طباطبایی، ۱۹۹-۲۰۰/۵)

• رضوان و رضایت الهی :
رضایت، تنها به رضایت خداوند از بندگان محدود نیست، هرچند که

رضای حق بر همه چیز اولویت دارد ولیکن زمانی تحقق پیدا می‌کند که بنده نیز نسبت به ربوبیت الهی و هر اراده و فعلی که از جانب او صادر گردد کاملاً خرسند و راضی باشد. در قرآن کریم نیز به رضایت متقابل خدا و بندگان اشاره و در چهار آیه از آن، عبارت «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» تکرار شده است. این آیات عبارتند:

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مائده/۱۱۹)

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا (توبه/۱۰۰)

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله/۲۲)

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسِبَ رَبَّهُ» (بینه/۸-۷)

در آیات مذکور، چهار گروه از بندگان خدا صراحتاً به عنوان راضیون و مرضیین درگاه حق تعالی معرفی شده‌اند که عبارتند از: صادقین، سابقین، حزب الله و خیرالبریه که خداوند عزیز به همگی‌شان وعده جنات اخروی و خلود ابدی در آن جا

را داده است؛ و البته این سعادت بس عظیم است که نصیب هر کسی نمی‌شود. حال باید دید که این افراد چگونه به چنین مقامی رسیده‌اند؟ و چه عواملی سبب علو مرتبه آنان شده است؟

در بررسی عوامل مؤثر در زمینه رسیدن به رضوان و رضایت الهی، سه مورد بیشتر از سایر موارد جلب توجه می‌نماید که عبارتند از: محبت به خدا، صبر و یقین.

الف- محبت نسبت به پروردگار:

اصولاً محبین، در چهره محبوب خویش جز زیبایی و درستی چیزی مشاهده نمی‌کنند، لذا تمام افعال او را با جان و دل پذیرفته و همه خواسته‌هایش را با کمال میل و به دور از هر نوع شک یا اکرامی انجام می‌دهند. البته عمق این رضامندی بستگی به جذبه محبوب و میزان معرفت محب نسبت به او دارد. لذا آنگاه که محبوب، ذات پاک حق باشد چنان می‌شود که امام صادق علیه السلام فرمودند: «چون حب خداوند بر باطن بنده‌اش بتابد، آن را از هر امری که او را مشغول دارد و هر یادکردی غیر از یاد خدا باشد تهی

می‌سازد. چرا که هر یادی جز یاد خداوند، تاریکی است...» (امام جعفر صادق علیه‌السلام، ۱۹۲) امام باقر علیه‌السلام نیز در بخشی از یک حدیث فرمودند: «دین عین محبت و محبت عین دین است.» (محدث عاملی، ۱۶/۱۷۱)

• ب- صبر:

شکبائی و خویشتن‌داری در مواجهه با رویدادها کار بس دشواری است که تنها از عهده خواص از بندگان خدا برمی‌آید. آیات فراوانی درباره صبر و اهمیت آن وجود دارد. از جمله خداوند در آیه‌ای خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «فَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ... لَعَلَّكَ تَرْضٰی» (طه/۱۳۰) خداوند متعال به پیامبرش توصیه می‌نماید که اگر خواهان رسیدن به خشنودی و رضایتی، در برابر حرفهای بیهوده مشرکان تحمل داشته باشد. و با پرداختن به ذکر و تسبیح پروردگارت در این راه از خدا کمک بگیر. امام سجاده علیه‌السلام در این خصوص فرموده‌اند: «صبر و رضا رأس همه طاعات است و هر کس صبر کند و

راضی شود از خدا در آنچه برایش مقدر شده، خداوند برای بنده‌اش جز خیر او را مقدر نمی‌کند.» (مجلسی، ۶۸/۱۵۹)

• ج- یقین:

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الرِّضَا ثَمَرَةُ الْيَقِينِ» (تصنیف غرر الحکم، ۱۰۳) رضا و خشنودی، میوه یقین است، اما اینکه یقین چیست و چگونه حاصل می‌شود، خود نیاز به بحثی مفصل دارد که در این کلام نمی‌گنجد. جهت آشنایی بیشتر با این مفهوم به روایتی از امام صادق (ع) در این باره بسنده می‌کنیم. حضرت فرمودند: «الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ مِنْ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ»

(مجلسی، ۶۸/۱۵۲؛ حرانی، ۲۷۸) یعنی راضی شدن به قضای ناخوشایند از بالاترین درجات یقین است.

رضادادن به رضای حق از یکسو و حرکت در مسیر جلب رضایت الهی از سوی دیگر اثرات فراوانی در حیات مادی و معنوی انسان برجای می‌گذارد. برخی از آن آثار که در کلام خداوند به آن اشاره شده از این

قرار است. قرار گرفتن در صراط مستقیم هدایت (مانده/۱۶)، اطلاع از غیب (جن/۲۷-۲۶)، بهره‌مندی از حیات طیبه در دنیا و آخرت (نحل/۹۷)، و دستیابی به جنات و رضوان الهی در جهان آخرت (آل عمران/۱۵). عبد مرضی حق‌شدن و برخورداری از مواهب دنیوی و اخروی آن نهایت آرزوی هر بنده‌ای است و این میسر است به شرط کسب توفیق در جهت معرفت سالکان طریق رضا، که همان راضیون و مرضیین درگاه الهی هستند.

• بندگان مرضی : خداوند در قرآن کریم، نفس مطمئنه را به عنوان نمونه عالی عبد راضی و مرضی خویش معرفی می‌نماید، آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي، وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر/۳۰-۲۷) مصادیق بارز و اولیه این آیات شریفه، ذوات مقدسه حضرات انبیاء و اولیاء معصومین علیهم السلام هستند. ایشان از یک سو غرق بحر رضای الهی گشته‌اند و از سوی دیگر هادیان بشر به سوی رضای

حق تعالی می‌باشند. چنانچه در دوفراز از زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْمَسْتَقِرِّينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ»

(مفاتیح‌الجنان، ۸۹۹) «السَّلَامُ عَلَى لِدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَ الْأَدِلَّةِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ» (همان، ۹۰۲) هرچند که گستره بندگان مرضی شامل همه انبیاء و اولیاء و پیروان راستین آنان می‌شود، ولی ما به اختصار تنها به پنج نمونه از مواردی که در قرآن کریم یا در تفاسیر و روایات به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به آن اشاره شده است می‌پردازیم. این بزرگواران به ترتیب عبارتند از:

- ۱- حضرت اسماعیل (علیه‌السَّلَام)
 - ۲- پیامبر اکرم (ص)، ۳- حضرت علی (علیه‌السَّلَام)، ۴- فاطمه زهرا (علیها‌السَّلَام)
 - ۵- امام حسین (علیه‌السَّلَام).
- حضرت اسماعیل (ع) :

ایشان همچون سایر پیامبران الهی حیاتی سراسر ابتلاء و امتحان را پشت سر گذاشتند. از دوران کودکی، با هجرت به وادی خشک و سوزان حجاز، ابتلائات حضرت و پدر و مادر بزرگوارشان آغاز شده و هر دوره به‌گونه‌ای ادامه داشت تا اینکه در

دوران پرشور و نشاط نوجوانی با فراخواندن حضرت اسماعیل علیه السلام به قربانگاه و صدور فرمان ذبح ایشان، آن هم توسط پدر سالخورده‌شان ابراهیم خلیل علیه السلام دشوارترین و مهم‌ترین امتحان الهی از این خانواده به عمل آمد و چه نیکو از عهده این مهم برآمدند.

حضرت ابراهیم (علیه السلام) به واسطه اطاعت از امر خداوند و نشان دادن مقام صبر و رضایتش در برابر تمامی مقدرات الهی، علاوه بر مقام نبوت، به دریافت منصب امامت از جانب حق تعالی مفتخر گشت. و اما حضرت اسماعیل علیه السلام در مقام و منزلتش همین بس که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَاعِیلَ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُوْلًا نَبِیًّا، وَ کانَ یَأْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّکَاةِ وَ کانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِیًّا» (مریم/۵۵-۵۴) «و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، زیرا که او درست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود. و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش مرضی بود.»

لفظ «مَرْضِیًّا» در ظاهر قرآن کریم فقط در مورد حضرت اسماعیل (ع) به کار رفته است. البته در این آیات، صدق در وعده و مقامات توأم رسالت و نبوت ایشان نیز قابل توجه است.

• پیامبر اکرم (ص):

وجود نازنین پیامبر اکرم (ص) نمونه کامل انسانیت و مصداق بارز عبد مرضی حق تعالی هستند که در رضا و رضامندی همچون دیگر صفات ملکوتی، پیشتاز همگان و سرآمد بندگان خدا، حتی سایر انبیاء عظام می‌باشند. آیات متعددی از قرآن کریم بر علو مقام و رفعت جایگاه حضرت در پیشگاه احدیت دلالت دارند که از جمله آنها می‌توان به آیاتی در زمینه راضی و مرضی بودن ایشان و دلایل و آثار این رضایت بر اساس تفاسیر وارده اشاره نمود. از خطاب‌های رحمانی و لطیف حضرت حق به شخص رسول الله (ص) آنجاست که می‌فرماید: «وَ مِنْ اَناءِ اللَّیْلِ فَسَبِّحْ وَ اَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّکَ تَرْضٰی» (طه/۱۳۰) «... و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش بپرداز، باشد که خشنود گردی»



از آیه فوق چنین استنباط می‌شود که راز و رمز رسیدن بنده به مقام رضا در تسبیح و تقدیس ذات ربوبی است. به عبارت دیگر اگر بنده در برابر خدا، ابراز بندگی و خشوع کند، خداوند نیز در مقابل، موجبات خشنودی بنده را فراهم و احساس رضایت را در او تقویت می‌نماید. چنانچه در تفاسیر آمده است: «اگر این کارها را انجام دهی (یعنی عبادت و تسبیح خدای متعال در ساعاتی از شب و روز) مقام شفاعت پیدا می‌کنی و به درجه رفیعی نائل می‌شوی که موجب خشنودی تو خواهد شد.» (طبرسی، مجمع‌البیان، ۵۸/۷)؛

طبرسی، جوامع‌الجامع، ۴۴۳/۲)

همچنین گفته‌اند که: «در نتیجه این اعمال، خداوند به وعده‌های خود نسبت به تو وفا کرده، نصرت و عزت دین را در دنیا و اجازه شفاعت را در آخرت به تومی‌دهد.» (طباطبایی، ۲۳۸/۱۴؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۵۸/۷)

عبد حقیقی خدا بودن کار آسانی نیست و مقام عبودیت چنان والا و ارجمند است که دربارہ رسول گرامی اسلام (ص) می‌توان گفت که این

مقام بر تمامی مقامات معنوی حضرت ارجح است و اولویت دارد. چنانچه در ذکر تشهد توصیف ایشان به عبودیت مقدم بر رسالت شده است: «و أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» بر این اساس می‌توان عبادت خالصانه تمامی انبیاء و اولیاء الهی و بویژه شخص رسول اکرم (ص) را مقدمه دریافت نشان عظیم رسالت الهی و ولایت مطلقه بر انسانها دانست. حضرت رسول (ص) در این مسیر پر مخاطره همواره مطیع فرامین الهی و راضی به قضای حق بودند. در برابر این عبودیت محض و رضایت مطلق از پروردگار، خداوند نیز از حضرتش رضایت کامل داشته و دارد. مرضی بودن ایشان نزد خداوند به‌ویژه از مسأله اعطاء نعمت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از جانب خداوند که در دو موضع از قرآن بدان تصریح شده به‌خوبی آشکار می‌گردد. به‌منظور بسط این مطلب به بیان این دو آیه و تفاسیر مربوطه می‌پردازیم. در آیه نخست سوره مبارکه کوثر می‌خوانیم: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ» (کوثر/۱)، «قطعاً ما به تو کوثر عطا کردیم» در سوره مبارکه ضحی

است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است.» از ابن عباس نقل شده که گفت: «علی جانش را فروخت و لباس پیامبر (ص) را پوشیده و در مکان ایشان خوابید. (حسکانی، ۱۲۷/۱) امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) درباره آیه بالا می‌فرمودند: «این آیه در منزلت حضرت علی (علیه‌السلام) نازل شده. زمانی که ایشان به سمت غار حرکت کردند (شبی که مکه را به قصد یثرب ترک کردند) و علی در بستر ایشان خوابید. حضرت علی (علیه‌السلام) درباره آن ماجرا چنین سروده‌اند:

وقیت بنفسی خیر من وطیء الحص
واکرم خلق طاف بالبيت و الحجر
همان ۱۳۱

با جان خودم بهترین کسی را که زمین دربر گرفته و گرمی‌ترین خلقی که خانه کعبه و حجرالاسود را طواف کرده نجات دادم.

در جای دیگر آمده است: «روایت شده زمانی که حضرت علی (علیه‌السلام) در بستر پیامبر خوابید، جبرئیل بالای سر و میکائیل پائین پای ایشان ایستادند و جبرئیل ندا داد: مرحبا

نیز آمده است: «و لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رُبُّكَ فَتَرَضَى» (ضحی/۵)، «و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی»
 • حضرت علی (ع):

ایشان پس از رسول الله (ص) شاخص‌ترین نمونه انسان کامل و عبد مطیع خداوند محسوب می‌شوند و به خاطر ویژگی‌های خاصشان، بنده مرضی حق تعالی نیز می‌باشند. سخن از مناقب و کرامات آن حضرت بسیار گفته شده و هرچه بگویند در برابر مقام شامخ حضرتش ناچیز است. آیات قرآن کریم و روایات وارده از معصومین (علیهم‌السلام) نیز در بیان عظمت ایشان بسیار است. اما آنچه در این مقام به آن می‌پردازیم، آیات و روایاتی است در بیان مقام مرضی بودن ایشان.

۱- ماجرای لیلة‌المبیت و فداکاری امام علی (ع) برای حفظ جان رسول خدا (ص) که در تاریخ اسلام مشهور است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره/ ۲۰۷) «و از میان مردم کسی

مرحبا به تو ای پسر ابی طالب خداوند
به واسطه تو بر فرشتگان مباحثات
می‌کند. (عروسی حویزی، ۲۰۵/۱)
امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «اولین
کسی که جانش را در طلب رضوان
الهی داد علی(علیه‌السلام) بود»

فاطمه زهرا (س):

حضرت صدیقه طاهره، زهرای
اطهر(علیها‌السلام)، دخت مکرم نبی
اسلام (ص)، سرور بانوان دو عالم
چنان مقام و منزلتی نزد خداوند
متعال داشته و دارند که تمامی
امامان(علیهم‌السلام) در مواجهه با
مشکلات به حضرتش متوسل
می‌شدند. حضرت زهرا (علیها‌السلام)
طینتی بهشتی داشتند و رسول اکرم
(ص) بوی بهشت از ایشان استشمام
می‌نمود. ایشان مظهر ایمان و تقوا و
الگوی تمام عیار هر زن و مرد
مسلمان و آزاده‌ای است. حضرت را
در زمین فاطمه و در آسمانها منصوره
می‌نامند. اسماء و القاب متعددی
برای ایشان گفته شده که گاهی به
شانزده اسم می‌رسد، ولی مطابق
روایت مشهورتر برای ایشان نه اسم
ذکر کرده‌اند، روایت از قول امام

صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید:
«فاطمه (علیها‌السلام) نزد خداوند
عزوجل نه اسم دارد که عبارتند
از: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره،
زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زاهره
(طبرسی، اعلام‌الوریب‌أعلام‌الهدی، ۱۴۸)
مطلب پیرامون اسماء حضرت و بیان
وجه تسمیه آنها بسیار گسترده
است و خود نیازمند تحقیقی جداگانه
و مفصل. آنچه به مبحث ما مربوط
است و به آن می‌پردازیم اسامی
راضیه و مرضیه هستند.

حضرت زهرا (علیها‌السلام) در طول
حیات کوتاه اما پر خیر و برکتشان،
همواره با سختیها و مشکلات مبارزه
کردند و حتی لحظه‌ای از اطاعت خدا
و رسول خدا و ولی خدا دست
برنداشتند. ایشان با وجود امکاناتی که
به عنوان دختر حاکم اسلامی
می‌توانستند داشته باشند، به
حداقل‌ها اکتفا کرده و به زندگی
ساده اما پرشور و نشاط خود در
کمال قناعت و رضایت ادامه دادند.
آری حضرت زهرا (علیها‌السلام)
علاوه بر راضیه، مرضیه هم لقب
گرفت. چرا که تمامی حرکات و
سکناتش مرضی درگاه حق تعالی بود.

پاسخ داد: می‌گویند رسول خدا (ص) به فاطمه فرموده که خدا با خشم تو، خشمگین و به رضای تو راضی می‌شود. حضرت فرمودند: بله، آیا چنین نیست که شما در روایات خود می‌گویید که خداوند به خاطر خشم بنده مؤمنش، غضب می‌کند و با خشنودی او، راضی می‌گردد؟ جواب داد: بله حضرت ادامه دادند: پس چگونه است که شما رضا و غضب خداوند را در اثر رضایت و خشم دختر مؤمن رسول خدا (ص) انکار می‌کنید. آنگاه آن مرد گفت: خداوند بهتر می‌داند که رسالتش را در کجا قرار دهد.» (مجلسی، ۴۳/۲۱-۲۰)

«خداوند متعال محور اصلی سیر کمال عبودی را در رضای فاطمه (علیه‌السلام) قرار داده است، بطوری که بدون رضایت او هیچ کس «عبد» خدا نمی‌شود. رضا و غضب خداوند در رضا و غضب فاطمه (علیه‌السلام) است.» (آل رسول، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان ۳۹ / ۱۶۲) «رضا و غضب خدا دو وصف تنها نیست، بلکه به نوعی جامع همه اوصاف است؛ زیرا عمل انسان یا مورد رضای الهی است یا جای غضب پروردگار. چون فاطمه

زهرا (علیها السلام) در این مقام هم متوقف نماند، بلکه به مرحله‌ای رسید که مظهر تجلی غضب و رضای حق تعالی گردید. پدر بزرگوارشان در این خصوص می‌فرمایند: «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد خداوند را آزار داده است. و در نهایت حضرت رسول (ص) این چنین مقام فاطمه (علیها السلام) را بیان می‌دارند که: خداوند به خاطر خشم فاطمه، غضب می‌کند و با رضایت او (به خاطر رضای او) راضی می‌شود.»

(طبرسی، إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، ۱۴۹)

نظیر این مطلب جای دیگری به نقل از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند:

«رسول الله (ص) به حضرت فاطمه فرمود: ای فاطمه خدای عزوجل با غضب تو، خشمگین و به رضای تو، خشنود می‌گردد. این روایت را محدثین نقل می‌کردند تا اینکه شخصی نزد امام جعفر صادق (علیه‌السلام) آمده و عرض کرد: امروز حدیثی را برای ما روایت کردند که میان مردم شهرت یافته. (گویا تردید کرده بود) امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند آن حدیث کدامست؟ او

(علیها السّلام) مظهر رضای الهی و غضب ربوبی است، بنابر این تمام اوصاف انسانی با معیار رضا و غضب فاطمه (علیها السّلام) بررسی می‌شود که اگر عملی از دیدگاه او مظهر رحمانیت الهی پسندیده و نیکو بود، خدا از عمل و صاحب آن راضی است و اگر پذیرفته نبود، خداوند نیز از آن کار و صاحب آن غضب‌آلود است. البته معیار بودن ائمه (علیهم السّلام) در صحرای محشر ظاهر می‌شود ولی هم اکنون نیز ایشان معیارند و رضای آنها ملاک حقانیت و غضبشان میزان بطلان است.» (همان، به نقل از جوادی‌آملی، ۱۰۷/۲-۱۰۶)

«به قدری عظمت حضرت فاطمه زهرا (علیها السّلام) متجلی است که گویا تمام نبوت با تمام خصوصیاتش و تمام مدارج و معارجش و تمام درجات و مراتبش در آن حضرت ظهور دارد. آن بضعة رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) سرّ و حقیقت و جوهره رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است و مانند آن موجودی که حامل و ضامن آن سرّ باشد و در مقام وحدت عین رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

می‌باشد که خشنودی و خشمشان یکی باشد، غیر از وی خداوند تعالی موجودی را نیافریده است.» (همان، به نقل از حسین طهرانی، ۱۴۷-۱۴۶) * امام حسین (ع):

حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) خامس آل عبا و امام سوم شیعیان جهان، سرور آزادگان و سید جوانان بهشت هستند. ایشان نیز همچون برادرشان، پدر و مادر و جدّ بزرگوارشان تمام عمر شریف خود را به ارشاد و هدایت امت پرداخته و جان‌های تشنه مؤمنان را با جام حکمت و معرفت خویش سیراب می‌ساختند. این رویه ادامه داشت تا زمانی که جو شایعه پراکنی و تفرقه و نفاق میان مسلمین به حدی قدرتمند شده که چهره اسلام را مکدر و دگرگون ساخت. در چنین شرایطی امام حسین (علیه السلام) چه کوشیدند تا با نصیحت و موعظه مردم را از خواب غفلت بیدار کنند، میسر نشد و بالاخره زمانی فرا رسید که حضرت فرمودند: دین جدّم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نجات نمی‌یابد مگر با خون من. مسأله آنقدر مهم و جدی بود که ایشان مراسم حج را ناتمام رها کرده

خویش را نثار راه حق و حقیقت نمودند. بدین‌سان حضرت مصداق بارز نفس مطمئنه گشتند که حضرت خطاب به چنین نفوسی می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي، وَادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر/۳۰- ۲۷)

«ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد، و در زمره بندگان من داخل شو، و به بهشت من درآی»

و رهسپار عراق شدند. آن‌هم با همه اهل بیت خود. امام حسین علیه‌السلام روز عاشورا در آخرین لحظات عمر شریفش، آن‌گاه که تمامی یاران باوفای خود و برادر و فرزندان را که هفتادو دو نفر نقل شده، در یک نصف روز از دست دادند، اهل بیت و حرم رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلم را نیز به خدا سپردند و با کمال اطمینان و آرامش قلبی، بدون ذره‌ای تردید، جان پاک

منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه فولادوند

صحیفه سجاده، ترجمه فیض‌الاسلام.

مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی.

۱- آل رسول، سوسن، مقاله اسرار وجودی حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال دهم،

شماره ۳۹، بهار ۸۷

۲- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان‌العرب، دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۳- احمدیان، ابراهیم، احادیث قدسی، پارسیان، قم، ۱۳۸۲ش. *مطالعات فقهی*

۴- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.

۵- بغدادی، علاء‌الدین علی بن محمد، لباب‌التأویل فی معانی‌التنزیل، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.

۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ش.

۷- الجوهری، اسماعیل بن حماد، معجم‌الصحاح، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۲۶ق.

۸- حرانی، ابن شعبه، تحف‌العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.

۹- حسکانی، عبدالله بن احمد، شواهد‌التنزیل لقواعد‌التفضیل، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۱ق.

۱۰- خوارزمی، تاج‌الدین حسین، شرح فصوص‌الحکم محیی‌الدین عربی، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۸۵ش.

۱۱- رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد، کشف‌الاسرار و عدله‌الابرار، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.

۱۲- شیخ طبرسی، إعلام‌النبوری بأعلام‌الهدی، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.

۱۳- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.

۱۴- طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل‌اللجاج، ترجمه بهرادر جعفری، مرتضی. مشهد، ۱۴۰۳ق.

۱۵- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع‌الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، ۱۳۷۷ش.

۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.

۱۷- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.

۱۸- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عامر، مفاتیح‌الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.

- ۱۹- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ق.
- ۲۰- الفراهیدی، ابن عبدالرحمن الخلیل بن احمد، العین، دار و مکتبه الهدی، بی‌جا، بی‌تا.
- ۲۱- فهری زنجانی، احمد، شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، انتشارات آسوه، تهران، ۱۳۸۵ش.
- ۲۲- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
- ۲۳- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷ش.
- ۲۴- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنزالدقائق و بحرالفرائد، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
- ۲۵- کلینی رازی، یعقوب، الکافی، اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ش.
- ۲۶- گنابادی، سلطان محمد، بیان السعاده فی مقامات العباده، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ۲۷- لیل امام جعفر الصادق علیه السلام، مصباح الشریعه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- ۲۸- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، اسلامی، تهران، بی‌تا.
- ۲۹- محدث اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
- ۳۰- محدث عاملی، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۳۱- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ش.
- ۳۲- مصطفی، ابراهیم و الزیبات، المعجم الوسیط، مکتبه مرتضوی، تهران، ۱۴۲۷ق.
- ۳۳- مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۲۴ق.

